

الحق في مسألة خلق آدم:

حقيقت ماجراى آفرينش آدم:

بداية خلق الله للإنسان

أغاز آفرينش انسان توسط خدا

الله سبحانه وتعالى بدأ خلق آدم في السماء الأولى (سماة الأنفس)، ولكن لكي يكون آدم وذريته مؤهلين للنزول إلى الأرض والاتصال بالأجساد، فلا بد من رفع الطينة للسماء الأولى وخلق نفس آدم (عليه السلام) وبقية الناس منها، فهذا أمر ضروري حيث إن الروح بثت في هذه الطينة المرفوعة وأصبحت هذه الطينة المرفوعة هي آلة اتصال الروح بالجسد، فالروح لا يمكن أن تماس الجسد لأنها في - ومن - عالمين مختلفين وبينهما عوالم، فكان لابد من وجود آلة لها وجود في كل مراتب التدرج والعوالم بين السماء الجسمانية والسماء الأولى وعندما يرفع الجسم يكون له هذه المراتب فله أن يتحرك ضمن حدودها.

خداوند متعال آفرينش آدم را در آسمان اول (آسمان أنفس يا آسمان نفس ها) آغاز نمود ولى براى اينكه آدم و فرزندان او براى نازل شدن به زمين و متصل شدن به جسم سازگارى داشته باشند، مى بايست گل به آسمان اول بالا برده مى شد (مرفوع مى شد) و سپس نفس آدم (عليه السلام) و ساير مردم

از آن خلق می‌شدند. انجام این کار ضروری بود؛ چرا که روح در این گِلِ مرفوع (به بالا برده شده) مستقر گردید و این گِلِ رَفَع شده خود وسیلهٔ ارتباط و اتصال روح با جسد گردید. از سوی دیگر روح نمی‌تواند جسد را لمس کند؛ زیرا این دو، در دو عالم مختلف و از دو جهان متفاوت می‌باشند و بینشان عواملی چند قرار دارد. بنابراین وجود وسیله‌ای برای این تماس لازم است؛ وسیله‌ای که در تمام مراتب نزولی و عوالمِ بینِ آسمانِ جسمانی و آسمانِ اوّل وجود داشته باشد و زمانی که جسم بالا برده می‌شود (مرفوع می‌شود) این مراتب را داشته باشد و در حدود آن حرکت کند.

وهكذا، فالطينة التي رفعت (وهي تمثل كل ما في الأرض) أصبح لها هذا المجال في الحركة بين عالمي الأجسام والأرواح، أو لنقل: بين عالم الأجسام عند بداية السماء الأولى وصولاً للتماس بالسماء الثانية، أو لنقل: عالم الأرواح عند بداية السماء الثانية (سماء الروح، والجنة الملكوتية).

به این ترتیب گلی که رفع داده شد (بالا برده شد) (که تمثیلی از هر چیز در زمین است) این فرصت برایش فراهم شد که بتواند بین دو عالم اجساد و ارواح حرکت کند؛ یا بین عالم اجساد در ابتدای آسمان اوّل تا رسیدن به محل تماس با آسمان دوّم؛ یا همان عالم ارواح در ابتدای آسمان دوّم (آسمان روح و بهشت ملکوتی).

أيضاً: كانت بداية خلق آدم من طين الأرض ومائها لتحمل نفسه التي ستخلق في السماء الأولى ما في الأرض من قوة وشهوة تؤهله للتكاثر وللعيش في كل بقعة على الأرض وتؤهله ليهيمن على الأرض، فأخذت الملائكة بأمر من الله سبحانه شيئاً من تراب

وماء الأرض ورفع إلى السماء الأولى وصب منه جسم آدم اللطيف
في السماء الأولى ووضع في الجنة الدنيوية، أي في نهاية
السماء الأولى أي في باب السماء الملكوتية (السماء الثانية)،
وهي أولى الجنان الملكوتية تمر عليه الملائكة.

از سوی دیگر، ابتدای آفرینش آدم از آب و گل زمین بود، تا نفسش که در
آسمان آفریده خواهد شد بتواند آنچه در زمین از قدرت و شهوت وجود
دارد، را برخوردار گردد؛ و تا شایستگی تولید مثل و زندگی در هر نقطه از
زمین و نیز شایستگی تسلط بر زمین را در او به وجود آورد. ملائکه به امر
خداوند سبحان، مقداری از آب و گل زمین را برگرفتند و آن را به آسمان
اول بردند و از آن جسم لطیف آدم را در آسمان اول قالب‌ریزی کردند، و
سپس آن را در بهشت دنیوی جای دادند. یعنی در پایان آسمان اول، یا به
عبارت دیگر در دروازه آسمان ملکوتی (آسمان دوم) که این، اولین بهشت
ملکوتی بود که ملائکه بر آن گذر می‌کردند.

عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام) قال: [كانت الملائكة تمر بآدم (عليه
السلام) أي بصورته وهو ملقى في الجنة من طين فتقول: لأمر ما
خلقت] (١). أي ملقى في الجنة الموجودة في السماء الأولى، قال
الباقر (عليه السلام): [فخلق الله آدم فبقي مصورا يمر به ابليس اللعين
فيقول: لأمر ما خلقت] (٢).

(١). المصدر (الراوندي - قصص الأنبياء): ص 41.

(٢). المصدر (القمي - تفسير القمي): ج 1 ص 41.

از ابي عبد الله امام صادق (عليه السلام) نقل شده که فرمود: [در حالی که شکل
حضرت آدم (عليه السلام) از گل ساخته شده و در بهشتی (که در آسمان اول
می‌باشد) قرار گرفته بود، فرشته‌ها از کنار آن عبور کرده و می‌گفتند این

چیست و برای چی خلق شده؟] (۱) ؛ یعنی وی در بهشت موجود در آسمان اول گذاشته شده بود. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: [خداوند حضرت آدم را آفرید و شکل و صورتش در بهشت قرار داشت که ابلیس لعین از آنجا رد می‌شد و می‌گفت این به چه منظوری خلق شده؟] (۲).

(۱). راوندی، قصص الأنبياء، ص ۴۱.

(۲). قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۱.

﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾ طه: ۱۱۷ ﴿﴾:

﴿پس گفتیم ای آدم همانا این است دشمنی برای تو و همسرت هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره‌بخت شوی﴾ طه: ۱۱۷ ﴿﴾:

ثم إنَّ الله سبحانه وتعالى لما تهيأت الأرض لاستقبال آدم (عليه السلام) خليفة الله، نفخ الله روح الإيمان في جسد آدم المثالي الموجود في السماء الأولى، فتكونت النفس الإنسانية الأولى كما في قوله تعالى: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ.....﴾، وقوله تعالى: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ﴾ وهي في مرتبة عالم الأنفس أو السماء الأولى.

سپس هنگامی که زمین برای استقبال از آدم (علیه السلام) به عنوان خلیفه و جانشین خداوند آماده گردید، خداوند سبحان و متعال روح ایمان را در جسد مثالی آدم که در آسمان اول بود دمید، و نفس نخستین انسان به وجود آمد. همانطور که در قرآن آمده است: ﴿پس گاهی که آراستمش...﴾ و نیز: ﴿و همانا آفریدیمتان﴾ و این ، در عالم آنفس یا آسمان اول بود.

ثم نفخ في آدم روح القدس كما في قوله تعالى: ﴿..... وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾، وقوله تعالى: ﴿ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ﴾ أي صورناكم على صورة الله كما في التوراة: "26 وقال الله نعمل الإنسان على صورتنا كشبهنا" (٣)، "27 فخلق الله الإنسان على صورته. على صورة الله خلقه ذكرا وانثى خلقهم" (٤)، وفي الرواية: عن محمد بن مسلم، قال: [سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام) عما يروون أن الله خلق آدم على صورته، فقال: هي: صورة محدثة، مخلوقة واصطفاها الله واختارها على سائر الصور المختلفة، فأضافها إلى نفسه كما أضاف الكعبة إلى نفسه والروح إلى نفسه ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾] (٥).

(٣). العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 1 : 26.

(٤). العهد القديم - سفر التكوين - الأصحاح 1 : 27.

(٥). المصدر (الكليني - الكافي): ج 1 ص 134؛ و (الصدوق - التوحيد): ص 103.

سپس خداوند روح القدس را در آدمی دمید؛ همان طور که حق تعالی می‌فرماید: ﴿..... و دمیدم در او از روح خویش﴾، و نیز: ﴿ پس صورتگری‌تان کردیم ﴾ یعنی شما را به صورت خدا، صورت دادیم؛ همان طور که در تورات نیز آمده است (٣): "٢٦ و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم"، " ٢٧ پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید."، در روایتی به نقل از محمد بن مسلم آمده است: [از حضرت باقر (عليه السلام) در مورد اینکه می‌گویند خداوند آدم را به صورت خود آفرید، پرسیدم. فرمود: این صورت: صورتی بود تازه و نو، و آفریده شده، که خداوند آن را برگزید و بر سایر صورتها اختیار کرد، پس این صورت را به خودش نسبت داد؛ همچنان که کعبه و روح را به خود نسبت داد و فرمود: ﴿و دمیدم در او از روح خویش﴾] (٥).

(٣) - عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ١، ٢٦ و ٢٧.

(٥) - کلینی-کافی، ج ١، ص ١٣٤؛ و نیز: صدوق-توحید، ص ١٠٣.

فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ كَمَا فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾، وَقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾، فَسَجَدَ مِنْ سَجْدٍ وَتَكَبَّرَ مِنْ تَكَبَّرٍ فَطُرِدَ.

خداوند ملائکه را به سجده برای آدم فرمان داد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿پس بیفتید برایش سجده‌کنان﴾ و نیز: ﴿سپس گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم﴾، پس سجده کننده، سجده کرد و متکبر، تکبر ورزید و طرد شد.

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ ﴿الحجر: ٢٩﴾.

﴿پس گاهی که آراستمش و دمیدم در او از روح خویش پس بیفتید برایش سجده‌کنان﴾ ﴿الحجر: ٢٩﴾.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ ﴿الأعراف: ١١﴾.

﴿و همانا آفریدیمتان پس صورتگریتان کردیم و سپس گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس که نشد از سجده‌کنندگان﴾ ﴿الأعراف: ١١﴾.

وَمِنْ ثَمَّ إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَتَعَالَى خَلَقَ نَفْسَ حَوَاءَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مِنْ نَفْسِ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (١)، قَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا
وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ
رَقِيبًا ﴿النساء: ١﴾ ﴿٤﴾، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام) قال: [إِنَّ اللَّهَ
تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ وَخَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ] (٥)، وَمِنْ ثَمَ أُخْرِجَ
ذُرِّيَّتَهُمَا وَامْتَحَنَهُمْ جَمِيعًا الْإِمْتِحَانِ الْأَوَّلِ فِي عَالَمِ الذَّرِّ (عَالَمِ
الْأَنْفُسِ)، وَكَانَ الْإِمْتِحَانُ بِسُؤَالٍ وَاحِدٍ: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ
مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا
بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ
﴿الأعراف: ١٧٢﴾ ﴿٦﴾، وَالآيَةُ وَاضِحَةٌ ﴿وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾ أَيِ إِنَّهُ كَانَ
عَالَمِ أَنْفُسٍ، فَالْمُتَقَدِّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ وَالْفَائِزُ فِي السَّبَاقِ هُوَ مَنْ يَرَى
وَيَسْمَعُ أَوَّلًا وَيَجِيبُ أَوَّلًا.

و سپس خداوند متعال نفس حوا (علیها السلام) را از نفس آدم (علیه السلام) آفرید.
(١)، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ای مردم بترسید پروردگار خود را که
آفریدتان از یک تن (نفس) و آفرید از او جفتش را و گسترانید از آنان
مردانی بسیار و زنانی و بترسید خداوندی را که از او پرسش شوید و
رحمها ، همانا خداوند است بر شما نگهبان ﴿النساء: ١﴾﴾، از امام صادق (علیه
السلام) نقل شده که فرمود: [خداوند متعال، آدم را از گل و حوا را از آدم
آفرید] «(٥) ، سپس فرزندان (ذُرِّيَّةً) این دو را بیرون آورد و همه آنها را با
نخستین امتحان در عالم ذر (عالم نفس ها) آزمود ، و این امتحان تنها یک
پرسش بیشتر نبود: ﴿و هنگامی که بگرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از
پشتهای ایشان نژاد ایشان را و گواھشان گرفت بر خویشتن آیا نیستم
پروردگار شما گفتند بلی گواھی دادیم تا نگوئید روز قیامت بودیم ما از این
ناآگاهان ﴿الأعراف: ١٧٢﴾﴾ ، دلالت آیه روشن است و ﴿و گواھشان گرفت بر
خویشتن (أَنْفُسِهِمْ)﴾ یعنی در عالم نفس ها بوده است ، و پیشرو در امتحان

و برنده مسابقه اولین کسی است که ببیند و بشنود و اولین کسی نیز باشد که پاسخ می‌دهد.

(۱). لم یخلق الله نفس حواء باستقلال كما خلق نفس آدم (عليه السلام) وذلك ليكون بينهم مودة ورحمة فتكون المودة أو الحب والطاعة موجهة من حواء الى آدم والرحمة موجهة من آدم الى حواء " وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ " .

(۱)- خداوند نفس حوا را آن گونه که نفس آدم (علیه السلام) را خلق نمود، به صورت مستقل خلق نکرد، با این هدف که به این ترتیب بین آنها مودت و مهربانی برقرار باشد؛ مودت یا عشق و اطاعت حوا نسبت به آدم، و مهربانی از سوی آدم به حوا. "و از آیت های او آن است که آفرید برای شما از خودتان جفت‌هایی تا بیارامید بدانان و نهاد در میان شما دوستی و مهری را همانا در این است آیت هائی برای گروهی که اندیشه کنند ﴿الروم: ۲۱﴾"

(۴). في مرتبة أعلى يكون المراد الروح الأولى روح محمد (صلى الله عليه وآله) ومنها خلقت مرتبة الروح التي دونها وهي روح علي وفاطمة (عليهما السلام).

(۴)- در مرتبه اعلى، منظور از روح اول، روح حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) است و از آن، مرتبه پايينتر روح، که همان روح على و فاطمه (عليهما السلام) است، آفریده شده است.

(۵). المصدر (الراوندي - قصص الأنبياء): ص 42.

(۵)- راوندى-قصص الأنبياء ، ص ۴۲.

ولما انتهى هذا الامتحان، شاء الله أن يتم ما كان في علمه من انزال آدم (عليه السلام) إلى الأرض وامتحانه فيها، فحصل امتحان آدم (عليه السلام) في السماء الأولى (الجنة الدنيوية) وفشل في الامتحان كما

كَانَ مَقْدَرًا لَهُ ﴿فَأَكَلًا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهَا سََوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ﴾ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ﴿طه: ١٢١﴾. فَأَنْزَلَ إِلَى الْأَرْضِ هُوَ وَأَمَّا حَوَاءُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا وَرَزَقْنَا اللَّهُ شَفَاعَتَهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

با پایان یافتن این امتحان، خداوند چنین اراده کرد که آنچه را در علمش بوده است - یعنی فرو فرستادن آدم (علیه السلام) به زمین و آزمایش کردن وی در آن - به اتمام رساند ، و امتحان آدم (علیه السلام) در آسمان اول (بهشت دنیوی) صورت پذیرفت و همان‌طور که برایش چنین مقدر شده بود، در امتحان ناکام ماند: ﴿پس خوردند از آن پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگ‌های بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خویش را پس زیانکار شد ﴿١٢١﴾﴾. بنابراین او و مادرمان حوا ع را به زمین فرود آورد که درود خدا بر آن دو باد و خداوند شفاعتشان را در دنیا و آخرت نصیب ما فرماید!

والنص القرآني واضح أن آدم وحواء خلقا وعاشا ابتداءً في الجنة الموجودة في السماء الأولى، وهي جنة دنيوية ولكنها ليست في الأرض بل في السماء الأولى أو عالم الأنفس:

بیان قرآن به روشنی گویای آن است که آدم و حوا در بهشت موجود در آسمان اول خلق شده‌اند و در ابتدا در آنجا زندگی کرده‌اند و این بهشت، بهشت دنیوی است ولی در زمین قرار ندارد؛ بلکه جای آن در آسمان اول یا عالم انفس می‌باشد:

قال تعالى: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ البقرة: ٣٥ ﴿﴾ .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿و به آدم گفتیم که با همسر خویش در بهشت بیارام و بخورید از آن گوارا آنچه خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که می‌شوید از ستمگران﴾ البقرة: ٣٥ ﴿﴾ .

وقال تعالى: ﴿وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف: ١٩ ﴿﴾

و نیز می‌فرماید: ﴿و ای آدم بیارام تو و همسرت در بهشت پس بخورید از هرجا خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که می‌شوید از ستمگران﴾ الأعراف: ١٩ ﴿﴾ .

وقال تعالى: ﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾ ١١٧ ﴿﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى﴾ ١١٨ ﴿﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى﴾ ١١٩ ﴿﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى﴾ ١٢٠ ﴿﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾ طه: ١٢١ ﴿﴾ .

و نیز قول خداوند متعال است که : ﴿پس گفتیم ای آدم همانا این است دشمنی برای تو و همسرت هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره‌بخت شوی﴾ ١١٧ ﴿﴾ همانا تو را است که نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه گردی﴾ ١١٨ ﴿﴾ و آنکه نه تشنه شوی در آن و نه در آفتاب مانی﴾ ١١٩ ﴿﴾ پس به

ریو افکندش شیطان گفت ای آدم آیا راهبریت کنم بر درخت جاودانی و پادشاهی ای که کهنه نگردد ﴿۱۲۰﴾ پس خوردند از آن پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگ‌های بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خویش را پس زیانکار شد ﴿طه:۱۲۱﴾.

فَالآيَاتِ وَاضِحَةٌ: أَنْ أَدَمَ (عليه السلام) لَمْ يَكُنْ أَرْضِيًّا، وَلَمْ يَخْلُقْ فِي الْأَرْضِ ابْتِدَاءً بَلْ فِي الْجَنَّةِ فِي السَّمَاءِ الْأُولَى، وَهِيَ غَيْرُ جَنَّةِ الْخَلْدِ ﴿فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى﴾، وَهَذِهِ الْجَنَّةُ لَيْسَتْ كَالْأَرْضِ الَّتِي يُمْكِنُ أَنْ يَجُوعَ فِيهَا الْإِنْسَانُ وَيَعْرِى وَيَعْطَشُ وَيَضْحَى وَتَوْذِيهِ الشَّمْسُ وَالظُّرُوفُ الْجَوِيَّةُ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ وَيَجْمَعَ الثَّمَارَ أَوْ يَزْرِعَ وَيَصِيدَ أَوْ يَرْبِيَ الْحَيَوَانَاتَ وَيَتَّخِذَ احتياطاته لدفع الضرر، إذن هي شيء آخر غير أرضي.

و آیات گویا هستند: حضرت آدم (علیه السلام) زمینی نبوده ، و ابتدا در زمین آفریده نشده بلکه خلقت وی در بهشت موجود در آسمان اول صورت گرفته است؛ و این بهشت، غیر از بهشت خلد (بهشت جاویدان) می‌باشد: ﴿هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره‌بخت شوی﴾، این بهشت همانند زمین نیست که اگر انسان در آن به کار نپردازد، میوه‌ها را جمع‌آوری نکند، به کشاورزی و صید مبادرت نورد، دامپروری نکند و برای دفع ضرر، احتیاط نکند، ممکن است گرسنه، برهنه و تشنه شود و در معرض آفتاب قرار گیرد و خورشید و شرایط جوی او را بیازارد. بنابراین بهشت مزبور چیز دیگری است و زمینی نمی‌باشد.

ثم لننظر إلى حال آدم المميز في هذه الآيات، وهل يتناسب مع حال الأرض والأجسام فيها، فجسم الإنسان الأرضي إذا لم يغط

جزءاً منه باللباس سيكون مكشوفاً وأكداً يراه صاحبه ويراه غيره، ولو كان آدم يلبس لباساً أرضياً فإن هذا اللباس الأرضي لا يصبح معدوماً عندما يعصي الإنسان الله، فلو كان آدم وحواء في الأرض وكانا عاريين من البداية لانتبها إلى حالهما منذ البداية وليس عند المعصية، ولو كانا في الأرض ويلبسان ملابس فلا تختفي عنهما بمجرد المعصية.

حال به ویژگی های آدم که در این آیات به او اشاره شده است نگاه می اندازیم تا ببینیم آیا وی با وضعیت زمین و اجسام موجود در آن تناسبی دارد یا خیر. اگر قسمتی از جسم زمینی انسان با لباس پوشیده نشود، آشکار می ماند و قطعاً خود او و دیگران می توانند آن قسمت را ببینند، و اگر آدم لباس زمینی می پوشید، این لباس نمی بایست با عصیان آدم نسبت به خدا از بین برود، پس اگر آدم و حوا در زمین و از همان ابتدا عریان بودند، از همان ابتدا متوجه وضعیت خود می شدند، نه هنگام معصیت. و اگر بر زمین بودند و لباس بر تن داشتند، این لباس به مجرد سر زدن معصیت، از آنها کنار نمی رفت.

إذن، فالأمر ليس أرضياً والقصة ليست أرضية، فالأمر كما يذكره الله في القرآن لا يتناسب مع حال الأرض ومن فيها أبداً، بينما لو كان آدم وحواء عند المعصية في الجنة الدنيوية في السماء الأولى فمن الطبيعي أن تبدو لهما سوءاتهما عندما يعصيان وليس قبل ذلك، لأن اللباس الذي يستر العورة هناك هو لباس التقوى وهو لباس تلبسه النفس كنتيجة طبيعية لطاعة الله ومخالفة الهوى والشيطان، ولباس التقوى أهم وأفضل من لباس الجسد؛ لأن الله ينظر لنفس وروح الإنسان وما تلبس وليس إلى جسد الإنسان وما يغطيه ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ

وَرِيثًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ

﴿الأعراف: ٢٦﴾

پس این مقوله زمینی نیست و ماجرا مربوط به زمین نمی‌باشد . موضوع همان‌طور که خداوند در قرآن بیان فرموده است با وضعیت زمین و آنچه در آن است به هیچ وجه تناسبی ندارد. در حالی که اگر آدم و حوا، به هنگام معصیت‌ورزی در بهشت دنیوی در آسمان اول به سر می‌بردند، طبیعی بود که در هنگام معصیت و نه پیش از آن، شرمگاه‌شان در نظرشان پدیدار می‌گشت؛ چرا که لباسی که در آنجا عورت را می‌پوشاند، لباس تقوا است و این لباسی است که ، نتیجه طبیعی اطاعت از خدا و مخالفت با هوا و شیطان بوده ، و نفس آن را به‌تن می‌کند. لباس تقوا مهم‌تر و برتر از لباس جسم است؛ چرا که خداوند به روح و نفس آدمی و آنچه می‌پوشد می‌نگرد، نه به جسد انسان و آنچه آن را می‌پوشاند ﴿ای فرزندان آدم همانا فرستادیم بر شما جامه که بپوشد عورت‌های شما را و ساز و برگی و لباس پرهیزکاری بهتر است این است از آیت‌های خدا شاید یادآور شوند

﴿الأعراف: ٢٦﴾

وعند المعصية ينزع هذا اللباس وتنكشف عورة الإنسان أمام ربه (٢)، أي أن آدم وحواء (عليهما السلام) كانا يلبسان لباساً منذ البداية في الجنة، كانا يلبسان لباس التقوى ثم نزع عنهما؛ فهما لم يكونا عاريين في البداية وانكشف لهما حالهما الأولي، بل الذي انكشف لهما هو حالهما بعد المعصية ونزع لباس التقوى ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرَآكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مَن حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

و به هنگام معصیت، این لباس خَلع می شود و عورت انسان در پیشگاه پروردگارش هویدا میگردد، (۲) یعنی آدم و حوا (علیهما السلام) در بهشت از همان ابتدا لباس به تن داشته‌اند. این دو لباس تقوا می‌پوشیدند که بعداً از تنشان درآورده شد؛ بنابراین آنها از ابتدا برهنه نبوده‌اند که وضعیت اولیه‌شان برایشان آشکار شود، بلکه آنچه برایشان آشکار شد، وضعیت‌شان پس از معصیت و کنده‌شدن لباس تقوا بوده است ﴿ای فرزندان آدم نفریبید شما را شیطان چنانکه برون کرد پدر و مادر شما را از بهشت، برمی‌کند از ایشان رخت ایشان را تا بنماید بدیشان عورت‌های ایشان را همانا بیند شما را او و کسانش چنانکه نبیندشان همانا گردانیدیم شیاطین را دوستانی برای آنان که ایمان نمی‌آورند﴾ (الأعراف: ۲۷) ﴿

(۲). أي إنسان وليس آدم فقط، فتراه الملائكة عارياً من التقوى وتعرف أنه عاصي، لهذا اهتم آدم وحواء بما حصل فهو على أقل تقدير أمر مخجل أن يصدر من آدم معلم الملائكة، ولهذا أخذ يستغفر ليرجع له لباس التقوى "فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ".

(۲)- منظور انسان است و نه فقط آدم. فرشتگان او را عاری از تقوا می بینند و می فهمند که او عاصی شده است؛ بنابراین آدم و حوا نسبت به آنچه روی داد نگران شدند؛ زیرا حداقل از آنجا که از آدم معلم ملائکه صادر شده، امری است شرم آور. به همین دلیل آدم شروع به استغفار کرد تا لباس تقوا بر او بازگردد ﴿پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگ‌های بهشت﴾

فَالْآيَةُ وَاضِحَةٌ أَنَّ لِبَاسَ آدَمَ نَزَعَ عَنْهُ بِسَبَبِ مَعْصِيَتِهِ ﴿ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا ﴾، وَهَذَا اللَّبَاسُ عَادَ بِالِاسْتِغْفَارِ ﴿ فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ﴾.

آیه به روشنی بیان میکند که لباس آدم به دلیل معصیتی که از او سر زد، از تنش کنده شد ﴿نفریبید شما را شیطان چنانکه برون کرد پدر و مادر شما را از بهشت برمی‌کند از ایشان رخت ایشان را تا بنماید بدیشان عورت‌های ایشان را﴾، این لباس، با استغفار برگشت ﴿پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگهای بهشت﴾.

والآیات واضحة أنّ هبوط آدم (عليه السلام) وحواء من الجنة الدنيوية في السماء الأولى إلى الأرض لا يمكن أن يقال إنه هبوط من جنة في هذه الأرض إلى الأرض ﴿قُلْنَا اهْبُطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾، فهو هبوط من السماء الأولى إلى السماء الجسمانية وإلى الأرض بالخصوص، والإمام الصادق (عليه السلام) بين أن آدم طلب أن يرجع إلى الجنة التي كان فيها وقد أجابه الله، وهذا يبين بوضوح أنها جنة سيدخلها بعد انفصال نفسه - بالموت - عن هذا الجسد مرة أخرى ويعود كما كان سابقاً.

مفهوم آیات کاملاً روشن است ، هبوط آدم (عليه السلام) و حوا از بهشت دنیوی در آسمان اول به سوی زمین را نمی‌توان هبوط از بهشتی که در این زمین بوده است به سوی همین زمین محسوب کرد ﴿گفتیم فرود شوید از آن همگی هرگاه شما را راهنمایی از جانب من آید پس آنانکه پیروی کنند راهنمایی مرا نه برایشان است ترسی و نه اندوهگین شوند﴾ البقرة: ۳۸ ﴿﴾، پس این هبوط، عبارت است از نزول از آسمان اول به آسمان جسمانی و به ویژه به سوی زمین. امام صادق (عليه السلام) بیان فرمود که آدم درخواست بازگشت به بهشتی را که در آن بود، نمود و خداوند اجابت فرمود و این به وضوح بیان می‌کند که این بهشتی است که ، پس از جدایی نفس انسان از

جسدش به وسیله مرگ، بار دیگر به آن وارد خواهد شد ، و همان طور که قبلا در آن بوده ، به آن باز خواهد گشت.

عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: [لما طاف آدم (عليه السلام) بالبیت مائة عام ما ينظر إلى حواء، ولقد بكى على الجنة حتى صار على خديه مثل النهرين العجاجين العظیمین من الدموع، ثم أتاه جبرئیل (عليه السلام) فقال: حياك الله وبياك، فلما أن قال: "حياك الله" تبلج وجهه فرحاً وعلم أن الله قد رضي عنه، ولما قال: "وبياك" ضحك ومعنى بياك أضحكك، قال: ولقد قام على باب الكعبة وثيابه جلود الإبل والبقر، فقال: اللهم أقلني عثرتي واغفر لي ذنبي وأعدني إلى الدار التي أخرجتني منها، فقال الله جل ثناؤه: قد أقلتك عثرتك وغفرت لك ذنبك وسأعيدك إلى الدار التي أخرجتك منها] (١).

(١). المصدر (الصدوق - معاني الأخبار): ص 269.

امام صادق (عليه السلام) می فرماید: [آدم (عليه السلام) یکصد سال به دور خانه طواف کرد و به حوا نگاه نمی کرد، و از فراق بهشت آن قدر گریست که بر دو گونه اش اثری مانند دو نهر بزرگ نمودار شد. آنگاه جبرئیل (عليه السلام) نزد وی آمد و گفت: "حياك الله وبياك" (خدا تو را زنده بدارد و خندان گرداند) ، پس چون به او گفت: "حياك الله" (خدا تو را زنده بدارد) اثر شادمانی بر چهره اش نقش بست و دانست که خدا از او خوشنود گردیده است، و چون به او گفت: "وَبِيَاكَ" (خندان گرداند) خندید. بر در کعبه ایستاد، در حالی که لباس هایی از پوست شتر و گاو بر تن داشت و گفت: بار الها از لغزشم درگذر، و گناهم را بیامرز و مرا به جایی که از آن راندی، بازگردان. پس خداوند عز وجل فرمود: از لغزشت درگذشتم ، و گناهت را آمرزیدم و به زودی تو را باز می گردانم به آنجا که از آن بیرون راندمت] (١).

هذه قصة خلق آدم (عليه السلام) من الطين المرفوع إلى السماء الأولى ونفخ الروح فيه، فأدم خلق في الجنة الدنيوية الموجودة في السماء الأولى (۲)، فنحن سماويون وقد خلقت أنفسنا من الروح المنفوخ في الطين المرفوع لكي يتم امتحاننا في هذه الأرض، وتتمكن الأنفس من التواصل مع الأجسام الأرضية التي ستكون حيز امتحانها في هذا العالم الجسماني المادي.

این داستان آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) از گلی که به آسمان اول بالا برده شد (رفع شد) و در آن روح دمیده شد، می باشد. بنابراین آدم در بهشت دنیوی واقع در آسمان اول آفریده شده است (۲)، پس ما آسمانی هستیم و نفس ما نیز از روح دمیده شده در گل مرفوع خلقت یافته است، تا در این زمین مورد آزمایش و امتحان قرار گیریم، و نفس ها بتوانند با جسم های زمینی که برای امتحانشان آماده می شدند، ارتباط و تماس داشته باشند.

(۲). السماء الدنيا تتكون من جزئين أو مرتبتين وهما؛ السماء الجسمانية: وهي هذه السماء المادية الجسمانية التي فيها المجرات والشموس والأقمار والأرض التي نعيش فيها، والسماء الأولى: وهي سماء الأنفس، وفيها خلق آدم، وفيها الجنة الدنيوية التي وضع فيها آدم وحواء أول خلقهما قبل أن ينزلا إلى الأرض بعد المعصية، والسماء الأولى هي نفسها سماء عالم الذر.

(۲) - آسمان دنیا از دو بخش یا دو طبقه تشکیل شده که عبارتند از آسمان جسمانی و آسمان اول. آسمان جسمانی همین آسمان مادی عینی است که کهکشانها، خورشیدها، ماهها و زمینی که بر آن زندگی می کنیم، در آن قرار دارد. آسمان اول، آسمان نفسها است که در آن آدم خلق شده و بهشت دنیوی - که آدم و حوا در ابتدای آفرینششان و پیش از آنکه پس از ارتکاب معصیت به زمین

پایین بیایند در آن استقرار داشته‌اند - در آنجا واقع گشته است. آسمان اول همان آسمان عالم‌ذر
می‌باشد.
